

آیا خداوند دوست دارد که ما ثروتمندتر شویم؟



یکی از سؤالاتی که گهگاه ذهن ما را مشغول می‌کند این است که آیا خداوند تمایل دارد که ما ثروتمند شویم؟ یا اینکه اجازه می‌دهد ما ثروتمند شویم؟ اگر جواب بله است، چه دلایلی برای اثباتش داریم؟ و مهم‌تر از همه اینکه خودمان دوست داریم ثروتمند شویم و اگر خداوند هم دوست دارد ما ثروتمند شویم، پس چرا این اتفاق برای ما نمی‌افتد؟ این مقاله جواب خوبی به این سؤالات می‌دهد.

با توجه به رشد ثروت جهان که هرروز شاهد آن هستیم، با کمی دقت می‌شود فهمید، قاعده کلی جهان این است که هرروز ثروتمندتر از قبل شود و میزان دارایی‌ها و امکانات افزایش یابد و این قاعده را خداوند در سیستم جهان قرار داده است. در بسیاری از مواقع ما این قاعده کلی را برای جهان و کشورها قبول داریم ولی در حالت جزئی و مخصوص به خودمان پذیرش این موضوع برایمان سخت‌تر می‌شود. خیلی از گفتگوهای ذهنی ما شامل موارد بازدارنده و مخالف ثروتمند شدن برای خودمان است.

با خودمان می‌گوییم؛ "شاید به صلاحم نباشد" یا "شاید خدا به من ثروت بدهد مایه امتحان و بدبختی‌ام باشد" یا "فقر بارزتر از ثروت است" یا "خدا اجازه می‌دهد اما من توانایی ثروتمند شدن را ندارم".

به نظر من همه این جملات غلط است! اکثر این جملات و جملاتی شبیه به این توضیح مناسبی برای ثروتمند نشدن نیست بلکه توجیهی برای آرام کردن درونمان است. ما اکثر عقایدمان را دریافت می‌کنیم و برای به دست آوردن آن‌ها و انتخاب آن‌ها وقت نمی‌گذاریم و دلیل اصلی این صحبت‌ها این است که وقتی چند سؤال عمیق و ریشه‌ای راجع به عقایدمان پرسیده می‌شود در جوابش می‌مانیم. "توجیه ساده‌ترین راه است ولی توضیح راه منطقی‌تری است که بر پایه استدلال‌های قوی‌تر است".

در این مقاله قصد دارم راجع به این موضوع که خداوند دوست دارد ما ثروتمندتر شویم، توضیحاتی ارائه بدهم. پیشنهاد می‌کنم اگر شما هم توضیحی دارید در قسمت نظرات، آن را بفرمایید. برای اینکه اثبات کنم خداوند دوست دارد ما ثروتمند شویم ابتدا باید بدانیم:

آیا ثروت و مال موضوعات خوبی هستند؟

در سوره نوح آیه ۱۲ در خصوصیات خداوند داریم:

وَيُؤْتِكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا

«و شما را امداد نماید به اموال و فرزندان، و برایتان باغ‌هایی قرارداد و برایتان نهرها قرارداد»

در این آیه خداوند می گوید با اموال و اولاد مددتان کردیم، یعنی اموال وسیله کمک خداوند هستند، خداوند در بسیاری از آیاتش مثل همین آیه اموال را قبل از اولاد آورده و آن را ارزشمند شمرده است. در سوره کهف آیه ۴۶ خداوند فرموده است:

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا

مال و فرزندان، زیور زندگی دنیایند و نیکی های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر آرزومندی (نیز) بهتر است.

موضوع مهمی که در این آیه وجود دارد این است که برای باقیات بیشتر از مال استفاده می کنند و برای صالحات بیشتر کلمه اولاد صالح می آید. در این آیه خداوند می گوید مال و فرزندان زیبایی دنیا هستند که اگر از آنها بتوانید برای آخرتتان باقیات و صالحاتی ارائه بدهید ارزشمندتر است و با این کار نعمت ثروت و فرزندان را به بهتر از آن تبدیل کرده اید و حتی آرزو و نیت این کار را داشتن هم خوب است. در هر صورت ما موجودی تک بعدی و زمینی نیستیم. داشتن ثروت، نعمت این دنیاست و استفاده صحیح از آن و تبدیلس به ثروتی ماندگارتر بسیار ارزشمندتر است. دعای معروف آیه ۲۰۱ سوره بقره که آیه معروف در قنوت نماز نیز است، نکته بسیار مهمی را یادآوری می کند و می گوید: هم نعمت دنیا مهم است و هم نعمت آخرت!

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

و از آنان کسی می گوید: «پروردگار ما! در این دنیا ما را (زندگی) نیکی بده، و در آخرت (نیز زندگی) نیکی ده و ما را از عذاب آتش نگاه دار.»

داشتن مال یکی از نعمت های خداوند است که موجب خیر در دنیا و آخرت می شود، مال زینت است و خداوند محروم کردن زینت ها برای خودمان را تأیید نمی کند. و در سوره اعراف آیه ۳۲ این موضوع را ذکر می کند:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ

قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

(ای پیامبر!) بگو: چه کسی حرام گردانیده؟ زیورهای خدایی را که برای بندگانش پدید آورده و (نیز) روزی های پاکیزه را؟

بگو: «این (نعمت)ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند، درحالی که روز قیامت ویژه‌ی آنان هست.» این گونه آیات را برای گروهی که می‌دانند جداسازی و روشن می‌کنیم.

در این آیه در کنار این که خداوند می‌فرماید ثروت و نعمت چیز خوبی است می‌گوید، پاکیزه‌ترین روزی‌ها برای مؤمنان هستند و این نکته بسیار مهم را می‌شود برداشت کرد که **ثروت حلال و پاک باشکوه** است چون خداوند از آن علاوه بر نعمت دنیا به‌عنوان نعمت آخرت هم نام می‌برد.

یعنی "اگر به خداوند ایمان داشته باشیم شایسته‌تر است که ثروتمند هم باشیم." اکنون که اثبات کردم ثروت و زینت دنیا ارزشمند است، باید به سؤال دوم جواب بدهم:

آیا دنبال ثروت بودن و افزودن مال و اموال کار خوبی است؟

جواب این سؤال نیز "بله" است در جستجوی مال و ثروت بودن کاری بسیار عالی و پسندیده است و یکی از پاداش‌های خداوند همین مال و ثروت است. یکی از نعمت‌هایی که خداوند به بندگانش وعده می‌دهد اضافه شدن ثروت و داشتن آرامش در زندگی مادی است. خداوند در سوره بقره آیه ۲۶۱ می‌فرماید:

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ
وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

مثال کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه رویانید، (که) در هر خوشه صد دانه است (هفت صد برابر می‌دهد)؛ و خدا چند برابر می‌کند (اموال را) برای هر کسی که در مشیت خدا باشد. و خدا وسعت دهنده (نعمت و ثروت) داناست.



وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

و خدا چند برابر می کند (اموال را) برای هر کسی که در میث خدا باشد. و خدا وسعت دهنده (نعمت و ثروت) داناست.

راجع به موضوع انفاق در یک مقاله دیگر صحبت می کنم و آنجا توضیحی خواهم داد. آن موقع است که برای بسیاری از افراد مشخص می شود که چرا با وجود بخشش و انفاقی که کرده اند پاسخ مالی نگرفته اند. اما در اینجا راجع به موضوع دیگری می خواهم صحبت کنم.

خداوند می گوید، کسی که انفاق می کند هفت صد برابر آن مالی که انفاق کرده است را (البته با رعایت شرایط انفاق) دریافت می کند. و طبق گفته مفسران این عدد هفت صد بیشتر معنی خیلی زیاد را می دهد تا اینکه معنی دقیقاً هفت صد برابر را بدهد در ضمن خداوند قانونی کلی را بیان می کند و می گوید: "و خدا چند برابر می کند (اموال را) برای هر کسی که در مشیت خدا باشد." یعنی اختصاص ثروت و زیاد شدن مال برای همه بندگان خدا ممکن است به شرطی که در مشیت خداوند قرار داشته باشد و این قانون توضیح بسیار زیادی دارد. نتیجه ای که در حالت کلی می گیریم این است که خداوند دوست دارد افرادی را کارهایی را انجام بدهند تا آن ها را ثروتمندتر کند. پس هم ثروت خوب است و ثروتمندتر شدن کار خوبی است.

در سوره فاطر آیه ۲۹ خداوند می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورًا

همانا کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز بر پا داشتند و از آنچه برایشان روزی داده ایم نهان و آشکارا انفاق می کنند، (اینان) امید به تجارتي بسته اند که هرگز زیان ندارد.

خداوند در آخر آیه می گوید این افراد امید به تجارتي دارند که هرگز زیان ندارد. مفهوم کلمه تجارتي که هرگز زیان ندارد، چیست؟ تجارت در لغت به معنای خرید و فروش و نیز خریدن کالا به انگیزه فروختن آن با بهای بیشتر، همچنین به کارگیری سرمایه به منظور سود بردن، آمده است. همه ما دوست داریم که اگر تجارتي کردیم سود بکنیم و خداوند هم به صورت قطعی از کلمه "لن" در این آیه استفاده کرده یعنی این کارها مثل تجارتي است که به هیچ عنوان ضرر ندارد. با این نوع نگاه می شود فهمید که خداوند هم انجام تجارتي که هرگز ضرر نمی کند را امتیاز می داند و به عنوان مثالی برای توجیه کارهای مؤمنان آورده است. و تجارتي که هرگز ضرر ندارد دیر یا زود باعث ثروتمندتر شدن می شود.

در ادامه چهار آیه از قرآن می آورم و جواب سؤال را به صورت چکیده ای از آنها بیان می کنم:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (بقره: ۲۴۵)

کیست آن کس که به خدا وام نیکویی دهد، پس خدا آن مال را برای او چندین برابر بیفزاید؟ و خدا محدودیت و گشایش پدید می آورد؛ و به سوی او بازگردانده می شوید.

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (الحديد: ۱۱)

کیست آن کس که به خدا وام نیکویی دهد پس خدا آن مال را برای او بیفزاید و پاداش پر کرامت از آن خداست.

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (الحديد: ۱۸)

بی گمان، مردان و زنان صدقه‌دهنده و کسانی که به خدا وامی نیکو داده‌اند، خدا آن مال را برای آن‌ها بیفزاید و برایشان پاداشی با کرامت است.

إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (التغابن: ۱۷)

اگر خدا را وامی نیکو دهید، آن را برایتان افزون می‌گرداند و برای شما می‌پوشاند. و خدا بسی شکرگزار بسیار بردبار است.

در همه این آیات خداوند می‌فرماید هر کس به خداوند قرض‌الحسنه بدهد، از آنجایی که خداوند غنی است چندین برابر آن قرض را به او برمی‌گرداند. یعنی اینکه چند برابر شدن مال و قرض‌الحسنه از نعمت‌های خداست. البته حیفم می‌آید این را نگویم: "خداوند آن قدر عالی و خوب است که در قبال قرض‌الحسنه‌ای که سودش به ما می‌رسد تشکر هم می‌کند." ببینید قرض‌الحسنه چه کاری است که خداوند با آن عظمتش از فرد تشکر می‌کند!!

پس در جواب کلی این سؤال به این نتیجه می‌رسیم که: **"افزایش مال و ثروت اتفاق خوبی است و جزو نعمت‌های خداوند است. و خداوند دوست دارد که ما در زندگی دنیا ثروتمندتر بشویم."**



خداوند بخشش بی‌انتهاست، در مقابل نعمتی که می‌دهد تمایل به گرفتن مالی از ما ندارد، برخلاف تصور ما که احساس می‌کنیم، بخشش و انفاق یا وجوه شرعی مثل زکات، خمس و صدقه را کم شدن اموالمان به خاطر خدا می‌دانیم. هدف از این بخشش و پرداخت‌ها رشد مالی ماست که در مقاله‌ای راجع به انفاق و بخشش به آن موضوع خواهیم پرداخت. غنی تر شدن و مصداق مادی آن یعنی ثروتمند شدن یکی از نعمت‌های خدا برای پیامبر و همه افراد است:

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ﴿الضحى: ۸﴾

(ای پیامبر) و خدا تو را نیازمند یافت، پس بی‌نیاز گردانید.

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى ﴿النجم: ۴۸﴾

و هم خداست که (شمارا) بی‌نیاز کرد و کفایت بخشید

قبل از نتیجه کلی یک موضوع را باید بگویم و آن را در سومین سؤال پاسخ می‌دهم: **اگر ثروتمند شدن خوب است پس چرا خداوند دوست داشتن مال را محکوم می‌کند؟**
در آیاتی مثل آیه‌های زیر خداوند راجع به کسانی که اموالشان را خیلی دوست دارند به تندی صحبت می‌کند:

وَتَجِبُونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿الفجر: ۲۰﴾

و مال را دوست می‌دارید، دوست‌داشتنی بسیار شدید.

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿الرهمزة: ۲﴾

آن کس که مالی گردآورد و برشمردهش.

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ ﴿سبأ: ۳۷﴾

و اموال و فرزندان چیزی نیستند که شما را به پیشگاه ما نزدیک گردانند، مگر کسی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشد. پس برای آنان چند برابر آنچه انجام داده‌اند پاداشی است و حال آنکه آنان در غرفه‌ها(شان) در امان‌اند.

این آیه‌ها در ظاهر دوست داشتن ثروت و اثربخشی ثروت را محکوم می‌کنند، اما با کمی دقت و مطالعه آیات قبلی و بعدی می‌شود فهمید که تا زمانی که اسیر پول نشدی و دچار شرک به خدا با پول دوستی نشدی ثروتمند شدن هیچ عیبی ندارد.

مال و ثروت یک وسیله است نه هدف، و استفاده از این وسیله و ایمان فرد استفاده‌کننده از ثروت، شرط مهمی در داشتن ثروت پربرکت است. فردی که ایمان به خدا دارد مال و ثروت برایش نعمت است و هرچقدر زیادتر باشد برای او نعمت بیشتری است و فردی که کافر است مال و اولاد برای او کمکی محسوب نمی‌شود. او نگهبان پول است و پول امیر قلب این فرد.

اگر ما احساس کنیم اموال و اولاد برای ما بد است ناخودآگاه خودمان را وارد سیاهی لشکر کفر کرده‌ایم. به‌شخصه من دوست دارم جزو سیاهی لشکر مؤمنان باشم. گروهی که اموال برایشان نعمت است و خرج یا پس‌انداز آن و مدیریت در خرج آن، همه و همه موجب افزایش ثروتشان می‌شود. نکته بسیار مهمی در برخورد با مال و ثروت وجود دارد: **"شما تا زمانی که بر اموالتان امیر هستید و اختیار خرج آن‌ها را دارید، در صورت نیاز می‌توانید ببخشید، یا برای لذتی و یا کمکی و ثوابی خرج کنید لایق آن خواهید بود"** و روزی که اسیر مال شوید در مسیر کفر قدم گذاشته‌اید و این اموال هرچقدر کم یا زیاد باشد نفعی برای شما ندارند.



تا زمانی که بر اموالتان امیر هستید و اختیار خرج آنها را واقعا دارید و در صورت نیاز می توانید ببخشید یا برای لذتی و یا کمکی و ثوابی خرج کنید، لایق آن خواهید بود

باور دارم ما در مقابل ثروت دو وظیفه داریم؛ یکی اینکه سعی کنیم با درآمد حلال ثروتمندتر شویم و این کار را خداوند هم دوست دارد و دومی اینکه سعی کنیم بر ثروت و اموالمان امیر باشیم و اسیر و بنده آنها نشویم. ما تنها و تنها اجازه داریم بندگی خداوند را بپذیریم و بندگی هیچ فرد یا هیچ وسیله دیگری را نکنیم، حالا این فرد رئیس ما، کارفرما، فرزند، همسر یا هر فرد دیگر و یا هر وسیله‌ای مثل پول، خانه، ماشین یا موارد دیگر باشد. (البته گفتن این جملات در کلام و زبان راحت است ولی در عمل سخت است، چون در مقابل هر اتفاق کوچکی که ما کنترل خود را از دست بدهیم یعنی یک اسارتی به آن موضوع داریم و خود را کوچک‌تر از آن موضوع می‌دانیم. چون با تغییراتی در آن موضوع خودمان هم تغییر حال و روحیه را تجربه می‌کنیم)

خداوند دوست دارد که ما ثروتمندتر شویم و ثروت حلال باشکوه است. این باور خوبی است اگر آن را بپذیریم و در کنارش خود را لایق ثروت بدانیم، قدم بزرگی در مسیر موفقیت و ثروت برداشته‌ایم. و حق ذاتی ماست که ثروتمند باشیم، این لطف ازلی خداوند است:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿الْإِسْرَاءُ: ۷۰﴾
 و قطعاً فرزندان آدم را گرامی داشتیم. و آنان را در خشکی و دریا حمل کردیم. و از پاکیزه‌ترین‌ها به ایشان روزی دادیم. و آن‌ها را بر بسیاری از کسانی که آفریدیم برتری ویژه‌ای دادیم

معتقدم فقر **همسایه دیوار به دیوار کفر** است، و رزق وسیع و حلال باعث بندگی و عبودیت می‌شود. از خداوند رزق حلال و وسیع بخواهید. خداوند هرچقدر هم که با توجه به خواسته ما روزی بدهد باز به اندازه ذره‌ای یا نوک سوزنی از ثروتش کم نمی‌شود. هرچقدر که ما ثروتمندتر شویم، ما ذره‌ای از این ثروت را به صورت مادی نمی‌توانیم با خود ببریم و فقط اثرش را با خودمان به دنیای دیگر خواهیم برد. پس ثروت را از خداوند بخواهید. خداوندی که خودش را واسع یعنی وسعت دهنده در نعمت معرفی کرده، خودش را رزاق یعنی بسیار روزی دهنده، وهاب یعنی بخشنده‌ای بسیار با لطف و کرم معرفی کرده است.



یک نکته بسیار مهم درباره جواب این سوال که "اگر خداوند دوست دارد که ما ثروتمندتر شویم و خودمان هم که دوست داریم ثروتمند شویم پس چرا این اتفاق نمی‌افتد؟" باید بگوییم: تا الان اثبات شد که خداوند دوست دارد ما ثروتمند بشویم، اما دوست داشتن ما برای ثروتمند شدن در اکثر موارد یک ضعف عمده دارد و آن اینکه در کنار

خواسته ثروتمند شدن آمادگی ذهنی جهت قرار گرفتن در مسیر آن را نداریم، برای به دست آوردن آمادگی ذهنی باید مسیر گذاری را طی بکنید که شامل آموزش های درست ثروتمند شدن باشد. در سایت خردمندان کسب و کار راجع به اینکه **چرا آموزش های ثروتمند شدن در عمل منجر به ثروت نمی شوند؟** و آشنایی با مراحل **دوره ساخت و پرورش ذهن ثروت ساز** توضیحات خوبی آورده شده است. بگذارید با چند روایت و داستان از بزرگان دین این مقاله را تمام کنم:

داستان اول :

حضرت خدیجه بهترین هم‌نشین و مونس پیامبر اکرم (ص) بود و اموال خود را در اعتلای اسلام انفاق نمود. و به درجه‌ای رسید که خداوند به حضرتش امر نمود که خدیجه را به خانه‌ای در بهشت که محل امن و آرامش باشد، بشارت دهد» (سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۰)

در مورد اموال حضرت، علامه مجلسی چند روایت نقل می‌کند که طبق این احادیث در شهر مکه کسی از ایشان ثروتمندتر نبود و در هر سو و هر ناحیه، غلامان، احشام و اغنام فراوانی داشتند و بیش از ۸۰ هزار شتر در مناطق مختلف برای تجارت داشتند، و در مناطق مختلفی چون مصر و حبشه تجارتخانه داشتند و وعده‌ای برای ایشان مشغول تجارت بودند.

در مورد منزل ایشان گفته شده که از لحاظ وسعت به اندازه‌ای بود که تمام مردم مکه را در برمی‌گرفت و در بالای این منزل گنبدی از ابریشم آبی‌رنگ قرار داده بودند و در آن نقش‌های خورشید و ماه و ستارگان منقش بود و آن گنبد ابریشمی زیبا را با طناب‌هایی از ابریشم و میخ‌هایی از فولاد، محکم کرده بودند. بنابراین، این‌ها نشانگر تجارت جهانی آن حضرت بوده که در شهرها و کشورهای مختلف چون مصر و حبشه تجارتخانه داشتند. همچنین دلالت بر قدرت بالای مدیریتی حضرت و ناشی از دانش وسیع آن بزرگوار بود، که در سن جوانی، از نبوغ فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. (بحار جلد ۱۶ ص ۲۱ و ۲۲)

این بانو بعد از ازدواج با پیامبر (ص) تمام اموال خود را در راه پیشرفت اهداف اسلام هدیه کردند. وی به عمویش ورقه گفت: کلید تمام اموال را نزد حبیبم ببر و از جانب من به او بگو: تمامی این اموال هدیه است به او و تمامی آن ملک اوست که در آن هر گونه تصرفی بخواهد، انجام دهد. به راستی آیا در تمام دوران پس از بعثت پیامبر (ص) چنین فداکاری مشاهده شده است؟

حتی در تفسیر آیه ۸ سوره مبارکه ضحی «وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي؛ تو فقیر بودی و ما تو را بی نیاز کردیم» یعنی به واسطه ثروت خدیجه (س) بی نیاز کردیم.

داستان دوم:

امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت علی علیه السلام روزی از کنار جمعی از قریش عبور می کرد، آن‌ها وقتی پیراهن کهنه آن حضرت را دیدند اظهار کردند: علی فقیر و تهیدست است و بر اثر فقر پیراهن کهنه پوشیده است. هنگامی که امام علی علیه السلام سخن آن‌ها را شنید به متصدی نخلستان‌های خود فرمود:

امسال خرماها را به فقرا نده بلکه خرماها را به بازرگانان بفروش و پول آن‌ها را در همان انباری که خرماها را در آنجا جمع می کردی بگذار.

متصدی طبق دستور علی علیه السلام رفتار نمود آنگاه کیسه بزرگی پر از پول جمع شد و آن را در انبار گذاشت. سپس علی علیه السلام برای همان‌هایی که حضرتش را تهیدست می پنداشتند، پیام فرستاد و آن‌ها را دعوت کرد آنان به حضور علی علیه السلام آمدند، سپس امام برای پذیرائی خرما طلبید متصدی برای آوردن خرما از انبار بالا هنگام پائین آمدن پایش به کیسه خورد و پاره شد و پول‌های زیاد آن در زمین پخش گردید.

آن افراد از روی تعجب گفتند: ای علی! این پول‌های زیاد چیست؟

آن حضرت در پاسخ آن‌ها فرمود: این مال کسی است که مال ندارد! سپس جلو چشم آن‌ها، آن پول‌ها را تقسیم کرده و برای مستمندانی که هر سال برایشان خرما می فرستاد، فرستاد. (سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۵۸).

در دورانی که امام علی (ع) حکومت نداشتند یعنی از سال ۱۱ تا ۳۵، آن حضرت کشاورزی کرده و به امور اقتصادی می پرداختند به گونه‌ای که هر چیزی را اعم از باغ و چشمه و چاه احداث می کردند، آن‌ها را وقف کرده و متولی این وقف امام حسن (ع) فرزند بزرگ‌تر حضرت (ع) بودند.

داستان سوم:

روزی امام حسن علیه السلام بالباسی آراسته و خوشبو از خانه خارج شد. در میان راه یکی از گدایان یهودی امام را نگه داشت و گفت: «ای حسن! انصاف بده، مگر جدت، رسول خدا صلی الله علیه و اله و صلّم، نفرمود: "الدنيا سجن المومن و جنت الكافر." (دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است؟)»

امام فرمود: «آری.»

گفت: «پس چرا الآن نسبت من و تو برعکس است. من با این حال گرسنگی و فقر، گویی در زندان به سر می‌برم و تو با این رفاه و آراستگی، در بهشتی؟»

امام فرمود: «ای یهودی، اگر هم اینک با چشم دلت به عالم آخرت بنگری و ببینی خداوند چه عذاب‌هایی را برای تو، و چه ثواب‌ها و نعمت‌هایی را برای من مهیا کرده است، یقین می‌کنی که تو اکنون نسبت به آن عذاب‌های اخروی در بهشت هستی و من نسبت به آن نعمت‌های اخروی در زندان به سر می‌برم.» (کشف الغمّه فی معرفه الأئمه ج ۱، ص: ۵۴۴)

این جواب حضرت معنایش این است که مؤمن بنا نیست در این دنیا با بدبختی زندگی کند.

داستان چهارم:

عبدالرحمن سلمی به یکی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام سوره حمد را آموخت. هنگامی که پیش پدر خویش آمد و آن سوره را خواند، حضرت به عبدالرحمن هزار دینار پول و هزار دست لباس بخشید و دهان او را نیز پر از دُر نمود، که بعضی در خصوص این بخشش‌ها به آن حضرت اعتراض کردند که چرا به خاطر تعلیم، آن همه جایزه دادی؟

حضرت در پاسخ فرمود: "جایزه من کجا می‌تواند به عطای (تعلیم سوره حمد) عبدالرحمن برسد." مطمئناً فردی که ثروتمند باشد می‌تواند این قدر به فردی ببخشد و در کنارش از وسعت ایمان امام حسین هم که خبرداریم. (بحار الانوار جلد ۳)

در آخر متن یک دعا از امام هادی (علیه‌السلام) برای شما نقل می‌کنم و امیدوارم مجاب شده باشید که خداوند دوست دارد ما ثروتمندتر بشویم.

امام هادی (ع) (مصباح‌المتهجد ۶۱۵/۲) دعا می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَعِيشَةِ مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى جَمِيعِ حَاجَاتِي وَأَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوسِّعَ رِزْقِي»
 "خدایا زندگی خیلی خوبی به من عنایت کن، زندگی که بتوانم با آن تمام حاجات خودم را برطرف کنم. و به من عمر طولانی بده، رزق من را هم زیاد کن."

امیدوارم روزبه‌روز ثروتمندتر و شادتر زندگی کنید.

